

بسم الله الرحمن الرحيم

چرایی و چگونگی تجدید

تجربه دفاع مقدس در گام دوم انقلاب

مقدمه

دفاع مقدس از تجربیات ناب و موفق گام اول انقلاب اسلامی است که درس آموزی و الگوبرداری از آن در گام دوم انقلاب اسلامی هم برای جبران راه‌های طی نشده در گام اول و هم برای تحقق آرمان‌ها، اهداف و سرفصل‌های هفت‌گانه‌ی تعیین شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ضروری است. درواقع، تجربه‌ی موفق دفاع مقدس در عین آنکه از مصادیق عمل به نظریه نظام انقلابی است، از مصادیق عمل به شعارهای فطری انقلاب اسلامی و میدان دادن به جریان انقلابی کشور است که در گام دوم نیز باید به عنوان سرمشقی مطمئن بدان توجه داشت.

این تجربه از چند جهت حائز اهمیت اساسی است؛ اول آنکه این تجربه در شرایطی حاصل شد که کشورمان در مقابل ائتلافی از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حال دفاع از خود بود و ثانیاً به لحاظ عوامل و متغیرهای مادی، تمام زمینه‌های لازم و

تجهیزات کافی برای شکست دادن دشورمان در این رویارویی فراهم شده بود، اما در نهایت، تمام این تدارکات در مقابل نصرت‌های الهی و قدرت ایمان و اراده‌ی رزمندگان اسلام رنگ باخت. بنابراین، ایران اسلامی در حالی توانست جنگ تحمیلی صدام علیه خود را در قالب «دفاع مقدس» به تجربه‌ای ماندگار و موفق تبدیل کند که کمتر کسی تصور می‌کرد این کشور بتواند در مقابل هجمه‌ی دشمنان، موجودیت و بقای خود را حفظ کند.

دوم آنکه میان شرایط کشور در حال حاضر با زمان دفاع مقدس شباهت‌هایی وجود دارد؛ زیرا اکنون نیز شاهد آرایش تمام‌عیار جنگی دشمن در مقابل نظام اسلامی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فضای مجازی و نفوذ اطلاعاتی هستیم؛ آرایشی که ماهیت انتلافی دارد و در آن، نیروها و تجهیزات کافی چیدمان شده تا نظام اسلامی را به اسارت تبعیت از استکبار وادارد. بنابراین، در اینگونه شرایطی باید با مبنا قرار دادن تجربیات دفاع مقدس و اجرایی کردن الگویی همچون الگوی دفاع مقدس در حوزه‌های چندگانه‌ی مذکور، در مقابل دشمن، آرایش مناسب و بازدارنده ایجاد کنیم.

نکته مهم در این میان آن است که دفاع مقدس اگرچه مربوط به مقطعی خاص از تاریخ انقلاب اسلامی است، اما درس‌ها، عبرت‌ها و ظرفیت‌های الگوگیری آن، قطعاً منحصر به دوره‌ای خاص از تاریخ این کشور و انقلاب نیست، بلکه درس‌ها و

ظرفیت‌های الگوگیری از این تجربه‌ی موفق، فرازمانی و فرامکانی است؛ یعنی نه تنها در هر زمانی می‌توان از اندوخته‌ها و تجربیات حاصل از این واقعه برای پیشبرد کشور بهره برد، بلکه فراتر از چهارچوب سرزمینی ایران، دیگران نیز می‌توانند از این تجربه، برای حل و رفع چالش‌ها و مسائل مختلف خود استفاده کنند.

از سوی دیگر، تجربه‌ی بیش از چهار دهه‌ای حیات جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که این نظام، زایش‌ها و رویش‌هایی در دل بحران داشته است. به عبارت دیگر، این نظام در طول حیات ۴۲ ساله‌ی خود با انواع بحران‌های سیاسی، نظامی، امنیتی و... مواجه بوده و دستیابی آن به پیشرفت‌ها و نایل شدن به قله‌های افتخار در زمینه‌های مختلف با وجود شرایط پیچیده‌ی مذکور به وقوع پیوسته است. دقت در ماهیت بحران‌ها و مسائلی که این نظام با آن روبرو بوده، نشان‌گر یک گذار از بحران‌های سخت مانند جنگ تحمیلی و مواجه شدن با جنگ هیبریدی یا ترکیبی؛ با تمرکز بر جنگ روانی - رسانه‌ای و جنگ اقتصادی - معیشتی است؛ بدین ترتیب که تهاجم عراق به میهن اسلامی، به شکل رویارویی نظامی تمام‌عیار، در دهه‌ی نخست حیات جمهوری اسلامی، مهمترین مسأله‌ی کشور بود. از آن پس، تا حدود یک دهه آرامش و ثبات نسبی در کشور حاکم بود تا اینکه در تیرماه ۱۳۷۸ غائله‌ای در کشور شکل می‌گیرد که در فتنه‌ی ۸۸ به تکامل می‌رسد. ماهیت این فتنه مبتنی بر شبهه‌افکنی، تردیدآفرینی و در یک کلام، جنگ باورها و اراده‌ها بود.

با این حال، با عبور پیروزمندانه‌ی نظام اسلامی از بحران‌های مذکور، بعد از فتنه‌ی ۸۸ در شیوه‌ی رویارویی نظام سلطه با نظام اسلامی، تغییراتی ایجاد شد؛ بدین نحو که در کنار عملیات روانی - رسانه‌ای و تلاش برای ترویج نفرت و بی‌اعتمادی نسبت به نظام و مسئولان در جامعه، با اعمال تحریم‌های فلج‌کننده (Crippling sanctions) اقتصاد و معیشت مردم مورد هجوم دشمن قرار گرفت. اتاق عملیات این جنگ علیه ملت ایران فعال بود تا اینکه با روی کار آمدن دولت یازدهم و انعقاد برجام، تلاش شد تا وقفه‌ای در این جنگ ایجاد شود، اما با بدعهدی‌ها و لگدهای مکرر آمریکا به برجام و در نهایت، با خروج این کشور از برجام، این جنگ معیشتی، با قوت گذشته در دستور کار سردمداران نظام سلطه قرار گرفت.

این موضوع، در کنار گسترش فعالیت شبکه‌های اجتماعی مجازی و شکل‌گیری نوعی جنبش اجتماعی نوین در بستر این شبکه‌ها که ابزار اصلی ایجاد و دامن زدن به نبرد رسانه‌ای - روانی علیه نظام است، جنگ جدیدی را علیه نظام اسلامی و عوامل بقا و ماندگاری آن شکل داده است. درواقع، بنا به دلایل مذکور، امروز کشور همچون زمان دفاع مقدس، در شرایط جنگی (ترکیبی) به سر می‌برد؛ با این تفاوت که امروز برخلاف گذشته، احساس می‌شود که این جنگ یک بُعد قوی داخلی هم دارد. بعد داخلی جنگ امروز که مکمل تلاش‌های خارجی محدودکننده‌ی جمهوری اسلامی ایران است، همانا ضعف‌ها، کاستی‌ها و سستی‌های داخلی است. براین اساس، به نظر

می‌رسد که کشور امروز نیازمند تکرار تجربه‌ی دفاع مقدس است تا هم کارزار فشار حداکثری دشمنان را متلاشی کند و هم دستگاه‌های داخلی را به تحرک مضاعف برای گره‌گشایی از مشکلات مردم وادار کند. همانگونه که گفته شد، این ضرورت از آن روی است که دفاع مقدس یک تجربه‌ی موفق است و نیاز به الگوگیری از آن داریم. بنابراین، ابتدا باید به این سؤال پاسخ دهیم که دفاع مقدس به عنوان تجربه‌ای موفق، چگونه سبب حفظ و ماندگاری انقلاب اسلامی در گام اول آن شد که اکنون نیز باید سرمشق قرار بگیرد.

نقش دفاع مقدس در حفظ و ماندگاری انقلاب اسلامی

دفاع مقدس از طرق زیر در حفظ و ماندگاری انقلاب اسلامی نقش داشته است:

۱- **تربیت نسل جوان:** جبهه به دانشگاه عظیم انسان‌سازی و پرورش فضیلت و معنویت در نهاد جوانان خداجویی تبدیل شده بود که علاوه بر دفع تهاجم دشمن و حفظ کیان کشور، نظام و انقلاب، در برهه‌ی بعد از جنگ نیز به ستون فقرات نظام در جامعه تبدیل شدند.

۲- **شکوفایی ظرفیت‌های نهفته:** دفاع مقدس از یک نگاه کارگاه عظیمی نیز بود که استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه ملت را باتوجه به شرایط اضطراری و تنگناهایی که

با آن مواجه بودند، به میدان آورد و شکوفا ساخت؛ استعدادها و ظرفیت‌هایی که شاید در شرایط عادی هیچ‌گاه زمینه‌ای برای بروز و ظهور آنها وجود نداشت. جلوه‌های مهم این شکوفایی را می‌توان در ساخت پل بشکه‌ای بر روی رودخانه بهمنشیر در جهت شکستن حصر آبادان، احداث پل خیر به عنوان بزرگترین پل شناور دنیا به طول ۱۴ کیلومتر بر روی هور، ساخت پل بعثت بر رودخانه وحشی ارونند در عملیات والفجر ۸ و در ماه رمضان، ساخت قایق‌های مرداب‌رو، سازه منحرف‌کننده موشک و... تنها بخش کوچکی از اقدامات مهندسی رزمندگان ایرانی است. همین توانمندی‌های و ظرفیت‌های بالفعل شده در برهه‌ی بعد از جنگ به موتور پیشران کشور در دوره‌ی سازندگی در حوزه‌هایی چون امور دفاعی، سدسازی و... تبدیل شد.

۳- ایجاد بازدارندگی دفاعی: دفاع مقدس، دفاع در برابر جبهه‌ای از دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بود که باتوجه به موفقیت در این جبهه، برای برهه‌های بعدی، قدرت بازدارندگی قابل توجهی برای نظام ایجاد شد و باتوجه به این مهم، سایه‌ی جنگ از سر کشور برای همیشه کنار رفت. ضمن اینکه نباید فراموش کرد که پایه‌گذاری بخش از توان دفاعی بازدارنده کنونی کشور مانند توانایی راهبردی دفاع موشکی در دوره‌ی دفاع مقدس صورت گرفت.

۴- ارائه‌ی نسخه‌ی اطمینان‌بخش اداره کشور: شاید بتوان گفت که بیشترین تأثیر دفاع مقدس در ماندگاری انقلاب اسلامی را باید در این حوزه جستجو کرد؛ زیرا

جوانانی که تازه انقلاب کرده و فاقد هر گونه تجربه و راه طی شده‌ای بودند، در دوران دفاع مقدس بود که در قامت فرماندهانی توانمند و تمدن‌ساز ظاهر شدند. به بیان دقیق‌تر، دفاع مقدس اندوخته‌ی دانشی و عملی لازم را برای معتبر بودن اعتماد به ظرفیت‌های داخل کشور را فراهم کرد. دستاورد توجه به همین مهم در برهه‌ی بعد از دفاع مقدس، در حوزه‌هایی که به آن توجه شد و سرمشق قرار گرفت، نه تنها رفع آسیب‌ها از کشور، بلکه تولید قدرت درون‌زا و راهبردی بوده است؛ قدرتی که در پیچیده‌ترین شرایط و با وجود متراکم‌ترین فشارها، توانسته است کشور را و انقلاب را حفظ کند.

چگونگی تجدید تجربه دفاع مقدس در گام دوم انقلاب اسلامی

حال با توجه به شرایط جنگ ترکیبی دشمن یا به عبارت دقیق‌تر، وجود فشارهای رسانه‌ای و عملی (تحریم) خارجی و داخلی و بروز ضعف و سوءمدیریت‌هایی در داخل کشور، اگر بخواهیم از تجربه‌ی دفاع مقدس درس بگیریم و آن را در شرایط کنونی نیز تکرار کنیم، چه باید کرد؟ به عبارتی، تجربه دفاع مقدس را امروزه چگونه می‌توانیم تکرار کنیم؟ در پاسخ به این سؤال باید به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تشکیل دولت جوان حزب‌اللهی: این مهم را می‌توان مهمترین راه‌حل داخلی مشکلات موجود دانست. درواقع، با توجه به افزایش حجم و تقویت عمق مشکلات

موجود و کم تحرکی و ضعف دولت در این راستا، دولت به یک خانه تکانی اساسی نیاز دارد؛ این خانه تکانی براساس بیانات رهبر معظم انقلاب نیز دو وجه دارد؛ جوان شدن دولت؛ یعنی از توانایی کار و اقدام انقلابی و جهادی برخوردار باشد و در کل، چابک و چالاک باشد و حزب اللهی بودن دولت؛ یعنی با تصحیح جهت گیری های موجود، بر مبنای نگاه انقلابی و حزب اللهی کشور را اداره کند. بنابراین، دولت باید تلاش کند تا در اتخاذ راه کارها و سیاست های مختلف برای اداره ی کشور، نگاه حزب اللهی داشته باشد نه به دنبال حل آنی مشکلات مردم از راه های انحرافی که سرابی بیش نیست، باشد. بنابراین، جوان بودن صفت ظاهر برای دولت و حزب اللهی بودن، صفت باطن برای آن است؛ اولی سرعت عمل دولت را بالا می برد و دومی جهت گیری های آن را تصحیح می کند. براین اساس دولت جوان حزب اللهی؛ یعنی دولتی که براساس مبانی، الزامات و نیازهای انقلاب اسلامی در گام دوم آن، جهت گیری های سیاستی و برنامه ای انقلابی را با دقت، دغدغه و سرعت عمل بالا پیگیری می کند. تجربه دفاع مقدس اساساً سرشار از الگوی موفق اعتماد به جوانان و وجود دولت جوان حزب اللهی است؛ این تجربه امروز باید در میان نخبگان و مسئولان سرمشق قرار گیرد.

۲- بن بست شکنی با تشکیل هسته های نامتقارن: منظور این است که همانگونه که در دوران دفاع مقدس در شرایطی نامتقارن با دشمن درگیر بودیم، اما با تشکیل

هسته‌های قوی مقاومت توانستیم دشمن را زمین گیر کنیم، امروز نیز باید این هسته‌ها برای عملیات چریکی به منظور خنثی سازی تحریم‌های اقتصادی و عملیات روانی - رسانه‌ای دشمن تشکیل شود. در ارتباط با مورد اخیر باید گفت که کشور امروزه به فعالیت‌های قرارگاهی در حوزه تولید فکر و محتوای عمیق و اثربخش نیاز دارد تا بتواند بر جنگ نرم فرهنگی دشمن فایز شود و پیش از آنکه دشمن با اقدامات رسانه‌ای عده‌ای را اغفال و دچار تغییر محاسبه کند، با ارائه‌ی محتوای فکری صحیح و انقلابی، آنها را در برابر سم‌پاشی‌های دشمن واکنش کند. متأسفانه در این حوزه، علی‌رغم گسترش رسانه‌های انقلابی، اما این رسانه‌ها اولاً فعالیت جبهه‌ای ندارند و ثانیاً فعالیت تخصصی ندارند و لذا قادر به تولید محتوای اثربخش و اقناع‌کننده نیستند. برای رفع این معضل باید آسیب‌پذیری‌های کشور در حوزه‌ی رسانه‌ای را شناسایی کرد و رفع هر یک از این آسیب‌ها را به دستگاه و رسانه‌ای خاص سپرد.

در این زمینه، به نظر می‌رسد که نقطه‌ی قانونی باید تلاش برای «گرفتن ابزار رسانه از دست دشمن» باشد؛ زیرا اکنون ابزار رسانه مهمترین ابزار برای اجرای عملیات روانی در راستای تصویرسازی منفی از وضعیت کشور است. برای مقابله با این وضعیت، باید تولیدات رسانه‌ای کشور به گونه‌ای ساخته و ارائه شود تا جذاب، اقناعی و پاسخگو به نیازهای مخاطب باشد و بدین ترتیب، ابزار رسانه‌ی دشمن خنثی شود. به عبارتی، تولیدات رسانه‌ای - فرهنگی کشور باید به گونه‌ای باشد که هم تصویر مطلوب و

امیدبخش به جامعه منتقل کند و هم علاوه بر اینکه خنثی کننده ی سم پاشی های رسانه ای دشمنان باشد، از جاذبه و تمایل مخاطبان وطنی به سوی رسانه های بیگانه بکاهد.

در ارتباط با تحریم ها نیز باید گفت که همانگونه که در دفاع مقدس نیز کل مردم کشور درگیر نبودند و با درصدا نندکی از مردم توانستیم تهاجم همه جانبه ی دشمن را آنهم در شرایطی نامتقارن دفع کنیم، امروزه در حوزه ی تحریم نیز کشور نیازمند تشکیل قرارگاه های جهادی برای مقابله و خنثی سازی تحریم ها می باشد. واقعیت آن است که جنگ اقتصادی، امروز همه ی مردم را درگیر کرده، بنا به تجربه دفاع مقدس، همانگونه که در این تجربه، عده ای از جان، مال، رفاه، لذت و دنیای خود گذشته تا سایر مردم و مملکت آسیب نبینند، امروز هم نیاز به تکرار این تجربه هستیم. برای این منظور نیز باید هسته های مقابله با تحریم تشکیل شود. به عنوان مثال، ممکن است جمعی از جوانان (که تعداد آنها هم کم نیست) از ظرفیت ارائه ی طرح هایی برای خنثی سازی بخش هایی از تحریم ها برخوردار باشند یا اینکه در حوزه ی جلوگیری از خام فروشی نفت که یکی از راه های اساسی برای خنثی کردن تحریم های نفتی است، امروز کشور از پتانسیل های متعددی برخوردار است، در این زمینه ها باید کار را به هسته های مقاومتی سپرد و به آنها میدان داد تا با نوآوری های خود، کشور را از گزند جنایت تحریم مصون سازند. یا اینکه در حوزه ی کشاورزی ظرفیت های متعدد و

بی‌شماری در کشور وجود دارد که با توسعه‌ی آنها و صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای همسایه می‌توان حجم صادرات غیرنفتی کشور را افزایش داد. برای فراگیر کردن این مهم نیز باید قرارگاهی متشکل از مهندسان، مسئولان و کشاورزان عمده‌ی کشور شکل بگیرد و تولید قدرت در این حوزه را وجهه همت خود قرار دهد. در مجموع، می‌توان نقاط آسیب‌پذیر کشور در حوزه‌های مختلف را شناسایی کرد؛ آنها را مقوله‌بندی و دسته‌بندی کرد و رفع آسیب‌های هر یک از این بخش‌ها را به قرارگاهی جهادی واگذار کرد. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین رسالت‌های دولت جوان حزب‌اللهی باید انجام اقداماتی از این قبیل باشد.

با وجود این قبیل کارها می‌توان از شرایط دشوار کنونی عبور کرد. در این زمینه، در رویکردی مقایسه‌ای باید گفت که در نگاه اول، اساس حمله‌ی صدام به ایران یک بن‌بست بزرگ برای ایران بود؛ زیرا به لحاظ شرایط کشور که رژیم شاه تازه دچار فروپاشی شده بود و نظام اسلامی نیز تازه مستقر شده و هنوز تثبیت نشده بود، ایران به هیچ‌وجه آمادگی برای ورود به یک نبرد همه‌جانبه، آنهم در مقیاس وسیع را نداشت. با این وجود، اما آنچه در عمل رخ داد، عبور از این موانع و بن‌بست‌ها بود.

درواقع، نامساعد بودن شرایط کشور و کمبود امکانات سبب نشد که رزمندگان اسلام اسیر منطق واقعیت‌های موجود شوند، بلکه در مقابل شرایط محیطی، عزم خود را جزم کردند و با روحیه‌ی بن‌بست‌شکنی به پیش رفتند. یکی از مهمترین عرصه‌هایی که این

روحیهی بن‌بست‌شکنی در آن متجلی شد، دستیابی رزمندگان اسلام به موشک و نحوه‌ی ساخت آن بود. این دستاورد بعد از آن حاصل شد که صدام با روی آوردن به جنگ شهرها و بمباران غیرنظامیان در داخل کشور، تصور می‌کرد که چون ایران نمی‌تواند پاسخ متقابلی به وی بدهد، پس بزودی تسلیم زیاده‌خواهی‌های وی می‌شود. با این حال، در سخت‌ترین شرایط و علی‌رغم نبود امکانات و حتی نداشتن دانش لازم، رزمندگان اسلام قدم در مسیری نهادند که در نهایت، منجر به تولید موشک شد و ابزار تهدید شهرها را از دست صدام گرفت.

امروز نیز دشمن با روی آوردن به تحریم و طرح راهبرد «به حداکثر رساندن فشارها علیه ایران» به زعم خود تصور می‌کند که می‌تواند ایران اسلامی را در بن‌بست قرار دهد تا در نهایت، او را تسلیم خود سازد. بنابراین، در اینگونه شرایطی باید از تجربیات بن‌بست‌شکنانه‌ی دفاع مقدس و حتی سایر تجربیات درس گرفت و برای از بین بردن بن‌بست‌های ساختگی دشمنان تلاش کرد. به عبارت دقیق‌تر، همانگونه که عناصر مؤمن و انقلابی در زمان دفاع مقدس، با روحیه‌ی جهادی، بن‌بست‌شکنی و پیش‌روندگی، بن‌بست‌های ظاهری دشمن را در هم شکستند، امروز هم باید به همان عناصر در اداره‌ی کشور میدان داد تا ضمن در هم شکستن بن‌بست‌های دشمن، ابزار تحریم و فشار اقتصادی و در تنگنا قرار دادن معیشت مردم ایران را از دست دشمن خارج کنند؛ همانگونه که با دفاع جانانه‌ی خود در زمان دفاع مقدس، ابزار تهدید

نظامی را از دست دشمن خارج کردند و امروز دیگر دشمن نمی‌تواند با استفاده از حربه‌ی تهدید به رویارویی نظامی، ایران را به شکست و تسلیم بکشاند.

۳- اعتماد به جوانان: در طول دفاع مقدس، جوانان هم در میدان رزم و در خطوط مقدم و هم در تدارکات و پشتیبانی جنگ، نقش محوری بر عهده داشتند؛ فرماندهان دسته‌اول و مشهور زمان دفاع مقدس مانند شهدای والا مقام همت، باکری، زین‌الدین، حسن باقری و... همگی جوانانی بودند که سن آنها زیر ۳۰ سال بود، اما علی‌رغم صغارت سن، برگ‌هایی ماندگار در تاریخ ایران خلق کردند که نمونه‌های آن را در تاریخ معاصر ایران نمی‌توان دید. علاوه بر این، توده‌ی رزمندگان اسلام نیز به طور عمده جوان بودند. می‌توان گفت که میدان دادن به جوانان و پرورش جوانانی خداجو، ترس، شجاع و البته با درایت و محاسبه، فتح‌الفتوح دفاع مقدس بود و نشان داد که اعتماد به ظرفیت‌ها و توانایی‌های جوانان این مرزوبوم، آنهم در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط، می‌تواند مملکت را نجات دهد و چشمه‌های جوشان پیروزی و موفقیت را حاصل سازد.

در شرایط کنونی کشور نیز جوانان قطعاً کمتر از پدران خود؛ یعنی جوانان دیروز نیستند و همانگونه که پدران آنها به عنوان بازوان توانای انقلاب، آن را از شرایط پیچیده‌ی شکل‌گیری، پیروزی، تثبیت و شکوفایی با موفقیت عبور دادند، آنها نیز امروزه آماده‌ی جانفشانی، جهاد و انقلابی‌گری در گام دوم انقلاب اسلامی می‌باشند.

حضور خودجوش عناصر مؤمن و انقلابی جوان در صحنه‌های مختلف امداد رسانی به سیل زدگان، زلزله زدگان، دفاع از حرم اهل بیت (علیهم السلام) در عراق و سوریه، مشارکت گسترده‌ی آنها در مراسم دینی و انقلابی مانند راهپیمایی عظیم اربعین حسینی (ع)، اجرای طرح مواسات و کمک‌های مؤمنانه، پیش قدمی در تولید ماسک و ضد عفونی کردن شهرها و مکان‌های عمومی در خلال بحران کرونا و...، در کنار حضور موفقیت آمیز جوانان در رویدادهای متعدد علمی و پژوهشی کشور و کسب عناوین برتر علمی در میادین جهانی گویای آن است که در گام دوم انقلاب نیز باید به جوانان توجه داشت و بیش از پیش زمینه را برای اقدامات جهادی و حضور آنها در صحنه‌های مختلف اداره‌ی کشور فراهم کرد. توجه به این مهم، بویژه از آن روی بسیار ضروری است که مخاطب اصلی مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز جوانان هستند. در واقع، اتکا به جوانان نسخه‌ای است که هم در دفاع مقدس و هم در برهه‌ها و رویدادهای دیگر اثربخشی خود را نشان داده است. بنابراین، اکنون که کشور تحت فشار حداکثری دشمن است و جریان تحریف و تحریم تلاش می‌کند تا شکوه و عزت ایران و انقلاب را به ذلت و تسلیم تبدیل کند، باید به این جوانان و توانایی‌های گره‌گشای آنها اعتماد کرد و به آنها میدان بروز و ظهور داد.

۴- مقاومت فعال: دفاع مقدس جلوه‌ی مقاومت فعال ملت ایران در برابر دشمن نیز بود؛ زیرا در طول هشت سال دفاع مقدس، نه تنها برای دفع تجاوز دشمن تلاش شد،

بلکه در مقاطعی نیز تا مرحله‌ی تنبیه متجاوز هم پیش رفتیم، به گونه‌ای که رزمندگان اسلام، عملیات‌های برون مرزی و در داخل خاک عراق هم داشتند. به عبارتی، آنچه دشمن را وادار به عقب‌نشینی و پذیرش شکست کرد، فقط دفع تهاجم آن نبود، بلکه توانایی وارد کردن ضربه متقابل به دشمن نیز بود. درواقع، نجات کشور در سایه‌ی مقاومتی صورت گرفت که اگرچه ذاتاً مطلوب است، اما با سویه‌های مقابله‌جویانه‌ای که پیدا کرده بود، منجر به بازدارندگی مؤثر نیز شد.

در گام دوم انقلاب و شرایط امروز نیز نباید انتظار داشته باشیم که استکبار در مقابل انقلاب اسلامی تغییر رفتار دهد؛ زیرا دنیای استکبار، انقلاب اسلامی را فراتر از دشمن سیاسی، اقتصادی و... خود می‌بیند. استکبار، انقلاب اسلامی را رقیب تمدنی خود می‌بیند و از این جهت، هیچگاه نباید توقع داشت که استکبار از توطئه علیه انقلاب اسلامی دست بردارد. با این وجود، مسأله‌ی الگوی مقابله با استکبار در گام دوم انقلاب اسلامی، به همان میزانی که در گام اول انقلاب مهم و اساسی بود، نیز مهم به نظر می‌رسد. تجربه حاصل شده از گام اول انقلاب و بویژه در دوران دفاع مقدس نشان می‌دهد که راهبرد منطقی و صحیح مواجهه با استکبار باید در قالب مقاومت فعال تعریف شود؛ یعنی مقاومت در قالبی که ماهیت انفعالی و تدافعی صرف ندارد، بلکه با ابتکار عمل و خلاقیت، به گونه‌ای در مقابل دشمن عمل می‌کند، مثلاً تهدید را با تهدید جواب می‌دهد، که منجر به خنثی‌سازی ابزارهای دشمن می‌شود.

۵- توجه به واقعیت‌های سه گانه: سه واقعیت انکارناپذیر در ارتباط با شرایط

کشور عبارت‌اند از: اوّل عظمت ایران، دوّم اقتدار جمهوری اسلامی و سوّم شکست‌ناپذیری ملّت ایران (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع یکصد هزار نفری بسیجیان، ۱۳۹۷/۰۷/۱۲) توجه به این واقعیت‌ها و تلاش برای تصویرسازی بر مبنای این واقعیت‌ها، هم تصویرسازی دروغین دشمن را بی اعتبار می‌سازد و هم این امید و اطمینان را به مردم می‌دهد تا با درک درست جایگاه و موقعیت خود، منتظر رقم خوردن آینده‌ای مطلوب باشند. البته مشخص است که موفقیت در این زمینه به تبیین صحیح و منطقی واقعیت‌های سه گانه و اقدامات اثربخش و متداوم رسانه‌ای بستگی دارد.

۶- اقدامات قاطع برای حل مشکلات: دفاع مقدس الگویی از عمل انقلابی و

کارآمد در مقابل مسأله زمانه؛ یعنی جنگ بود. از این رو، اکنون که مسأله‌ی عمده‌ی زمانه برای مردم عزیزمان، مسائل معیشتی است، باید با الگوگیری از شیوه‌های انقلابی در زمان دفاع مقدس به جنگ مسائل روزمره مردم رفت. درواقع، اقدام جهادی، انقلابی، قاطع، سریع، مقتضی و متناسب برای حل مشکلات از یک سو و برخورد بدون مماشات و ملاحظه با اخلال‌گران و مفسدان در امور کشور از سوی دیگر نیز راه‌حل مفیدی است که می‌تواند به تزریق امید و اعتماد به جامعه منجر شود و ضمن خنثی‌سازی تحریم‌ها، سم‌پاشی‌های روانی جریان تحریف را نیز خنثی کند. درواقع،

افکار عمومی از مسئولان انتظار دارد که به محض بروز مشکل و نابسامانی، در اسرع وقت به آنها رسیدگی شود و کار در پیچ و خم‌های اداری و بوروکراتیک گیر نکند؛ زیرا میان قضاوت افکار عمومی درباره‌ی کارآمدی و مفید بودن یک اقدام و زمان انجام آن نسبت مستقیم وجود دارد و چه بسا اقدام مثبت و کارآمدی که در زمان مناسب صورت نگیرد و یا مدت زمان زیادی صرف آن شود، از سوی افکار عمومی چندان مثبت ارزیابی نشود. به بیان دیگر، دو واقعیت مهم در کشور؛ یکی ضعف اراده و سستی برخی مسئولان برای رسیدگی سریع و قاطع به مشکلات مردم است و دیگری این است که اساساً همه‌ی مشکلات ریشه در دولت و مسئولان ندارد. براین اساس، مسئولان باید در حوزه‌هایی که می‌توانند و مربوط به حوزه مسئولیت آنها می‌باشد، عزم و اراده‌ی جدی برای حل مشکلات داشته باشند. البته صرف همدلی و داشتن عزم و اراده، کافی نیست، بلکه باید اقدامات اثربخش و مفید در راستای حل مشکلات صورت گیرد. به نظر می‌رسد که در صدر این اقدامات باید ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد، حمایت از اقشار ضعیف و کم‌درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی، چابک‌سازی روندهای بوروکراتیک، مبارزه‌ی جدی، علنی، شفاف و اثربخش با مفسدان و محترکان، بویژه آقا زاده‌ها و نزدیکان به برخی مسئولان و... قرار داشته باشد. با تحقق این اقدامات، بخش مهمی از مسأله‌ی ناکارآمدی که ریشه‌ی اصلی مشکلات موجود در کشور است و توطئه‌های جریان تحریف را باورپذیر می‌سازد، برطرف خواهد شد.

۷- **ارائه‌ی تصویر کارآمد از مسئولان:** دفاع مقدس الگوی تمام‌نمایی از تلاش مجاهدانه رزمندگان و مسئولان مختلف کشور برای دفاع از کیان کشور و انقلاب بود، اما این بدین معنا نیست که تمام تلاش‌ها در آن برهه هم موفق بوده است. واقعیت آن است که اگرچه سرانجام جنگ تحمیلی با پیروزی ایران به پایان رسید، اما در خلال این جنگ و دفاع، علی‌رغم به کار بستن تمام توان، در برخی عملیات‌ها، ما با شکست مواجه می‌شدیم. با این وجود، اما حضرت امام(ره) و مردم قدردان رزمندگان و مسئولان بودند؛ زیرا آنها آنچه را که در توان داشتند، به میدان آورده بودند. در ارتباط با شرایط امروز کشور نیز رزمندگان جنگ اقتصادی و مسئولان مختلف هم باید تمام توان و همت خود را به کار بندند تا از بار مشکلات موجود بکاهند، ولو اینکه منجر به نتیجه‌ی موردنظر هم نشود. درواقع، در اینکه مشکلاتی در کشور وجود دارد، جای شک و تردید نیست، اما مسأله‌ی مهم در این زمینه، این است که وجود این مشکلات نباید سبب ایجاد یأس و ناامیدی در مردم و احساس وجود بن‌بست توسط آنها شود. در این زمینه، مسئولان مختلف باید عزم خود را جزم کرده و حداکثر تلاش خود را برای حل این مشکلات به کار ببرند؛ ولو ممکن است همه‌ی تلاش‌های آنها هم نتیجه‌بخش نباشد. در این باره مقام معظم رهبری می‌فرماید: «بایستی تصویر دولت در چشم مردم تصویر یک گروه توانا و کارآمدی باشد که دارند تلاش می‌کنند. حالا البته انسان تلاش که می‌کند همیشه موفق نمی‌شود، نفس اینکه دارند تلاش می‌کنند و کار می‌کنند برای مردم جذاب است. شما ملاحظه کردید ما در بازی فوتبال امسال در

مقابل اسپانیا گل خوردیم اما همه، تیم ما را تأیید کردند ... گفتم: «کارتان عالی بود».

مردم هم آمدند در خیابان‌ها در حالیکه گل خورده بودیم. چرا؟ چون خوب بازی کردند، چون همه دیدند که اینها در میدان تلاش کردند، عرق ریختند، ابتکار به خرج دادند، شجاعت به خرج دادند. دروازه‌بان با هوشمندی و فداکاری و سرعت عمل یک کاری کرد که کارستان بود. مردم وقتی این را از شما ببینند برایتان شعار می‌دهند، به نفعتان شعار می‌دهند، این باید احساس بشود. آدم ممکن است مشکل را هم یک جایی نتواند حل کند. همین قدر که بدانند وارد میدان هستید و دارید تلاش می‌کنید، روز و شب نمی‌شناسید، به مردم پیام اقتدار را می‌دهد. باید احساس بکنند دارد کار می‌شود.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۷/۰۵/۲۵).

۸- حفظ وحدت و یکپارچگی: بویژه در میان نخبگان و مسئولان و هم‌صدایی میان آنها بسیار مؤثر است؛ زیرا به میزانی که انسجام نخبگانی در کشور حفظ و تقویت شود، امید و اعتماد مردم به حل مشکلات بیشتر می‌شود. ضمن اینکه وجود اختلاف در میان مسئولان و نخبگان و فراتر از آن، علنی کردن این اختلاف‌ها و کشاندن آنها به سطح رسانه‌ها، عامل و بهانه‌ای است برای جریان تحریف تا هم به تشدید این اختلاف‌ها بپردازد و هم با برجسته‌سازی آنها، مسئولان و نخبگان نظام را نسبت به مسائل روزمره‌ی مردم بی‌تفاوت جلوه دهد و اینگونه به ترویج یأس و ناامیدی در جامعه بپردازد. این مهم، منجر به ارسال پیام عظمت از داخل به جهانیان می‌شود.

اهمیت آن نیز بویژه از آن روی است که اگر هم سیاست نظام جهانی در قبال ما مبتنی بر تشدید فشار می‌باشد، این سیاست بر مبنای پیام‌هایی است که از فضای داخل کشور به بیرون ارسال می‌شود. حال براین اساس می‌توان گفت که مهمترین مسأله‌ای که در داخل کشور، زمینه‌ساز عدم تغییر شیوهی دشمنان نظام شده است، انعکاس صداهاى دوگانه و بلکه متعدد از درون کشور برای حل مسائل، بویژه مسائل سیاست خارجی است. به نظر می‌رسد که مهمترین و دقیق‌ترین مسأله‌ای که در نحوه‌ی مواجهه با فشارهای دشمن باید در دستور کار مسئولان مختلف کشور قرار گیرد، حفظ انسجام درونی و پرهیز از اختلاف، چندصدایی و انعکاس پیام ضعف به خارج است. به عبارت دیگر، باید از درون کشور، پیام عظمت به خارج منعکس شود؛ بدین معنا که اینگونه به طرف مقابل گوشزد شود که اگرچه جمهوری اسلامی ایران حاضر به تعامل سازنده با دنیا، رفع تصویر هراسناک و امنیتی از خود، ایجاد تصویر مثبت و مطلوب از خود، رفع تحریم‌های ظالمانه‌ی بین‌المللی و... می‌باشد، اما هیچ‌گاه این مسائل را به تغییر رفتار خود منوط نمی‌کند؛ زیرا تجربه نیز نشان داده است که هرگونه خوش‌بینی نسبت به آمریکا، نتیجه نداده و در کیفیت مواجهه‌ی آن با کشورمان تغییری ایجاد نکرده است.